

و صمیمانه رفقای خود را می‌بوسیدند. دیشب به علت شرط‌بندی‌هایی که بر سر این مسابقه شده بود، مهمانی‌های زیادی در کافه‌ها و رستوران‌ها داده شد. خبرنگار ما می‌افزاید: از هم‌اکنون در چندین محل از تهران مقدمات بستن طاق نصرت را فراهم می‌کنند و در محله‌های مختلف تهران که فوتبال‌یست‌های تیم ملی ساکن آنجا هستند آماده می‌شوند که استقبال گرمی از بچه‌های محل بنمایند. روز ورود فوتبال‌یست‌ها در کلیه خیابان‌های تهران موزیک نواخته خواهد شد و کاروان‌های ورزشی در تهران به حرکت درمی‌آید.»

به نوشته خبرنگار اطلاعات: «امروز در سازمان تربیت‌بدنی، هیأتی مأمور تهیه برنامه برای استقبال از قهرمانان پیروز فوتبال ایران شده‌اند که کلیه ورزشکاران تهران در مراسم استقبال شرکت نمایند.» تیمسار سرلشکر ایزدپناه رئیس سازمان تربیت‌بدنی گفت «برنامه استقبال از فوتبال‌یست‌ها نظیر همان استقبالی خواهد بود که در سال ۱۹۵۶ در مراجعت کشتی‌گیران از المپیک ملبورن به عمل آمد.»

در مهرآباد، بی‌تابی جمعیت مشابعت‌کننده برای رؤیت قهرمان محبوب کشتی آزاد غلامرضا تختی بسیار بیش از سایرین بود اما او در بخش نخست ورزشکاران اعزامی قرار نداشت و علاقه‌مندانش به ناچار چند ساعت بیشتر به انتظار دیدار او ماندند و پیای از سایرین به ویژه کشتی‌گیران سرافراز را می‌گرفتند. با این همه سالن انتظار فرودگاه اما چهره همیشگی خود را نداشت. چرا که این بار قشر کم‌درآمد جامعه و مردمی که هرگز قادر نبودند با هوایما پرواز کنند نیز حضور یافته بودند

بچه‌ها وقتی از طیاره کلکته - تهران پیاده شدند پیراهن‌های گل‌منگلی بر تن داشتند و کلاه‌های حصیری لبه‌دارشان را به هوا می‌انداختند.

اولین پرستوهای فوتبال ایران بعد از حضور در اولین جام جهانی‌شان (آرژانتین ۱۹۷۸) نمی‌دانستند که هنگام بازگشت به تهران با چه واکنشی مواجه خواهند شد. تیمی که جمعه ۲۶ خرداد ۵۷ وارد مهرآباد شد هنوز نمی‌دانست که در تهران روزنامه‌ها کلی به بی‌همتی‌شان توپیده و همه شکست‌ها را گردن غفور مادرمرده (جهانی) انداخته‌اند که در تیم ملی، کس و کاری نداشت. آن روزها روزنامه اطلاعات با تیتیر «وحشت پرستوها» نوشت: «بچه‌ها با دلهره و اضطراب به خانه می‌آیند و در قلب‌شان وحشت پرستویی هست که بعد از یک زمستان سرد، به خانه برمی‌گردد ولی به درستی نمی‌داند که آیا آشیانه‌اش برجاست یا توفان، آن را ویران

همیشگی خود را نداشت. چرا که این بار قشر کم‌درآمد جامعه و مردمی که هرگز قادر نبودند با هوایما پرواز کنند نیز حضور یافته بودند. همان‌هایی که هرگز فردی را نداشتند که به استقبالش رفته و یا بدرقه‌اش نمایند. غلامرضا تختی که جمعیت مشتاقانه و پیای در جست‌وجوی او بود سرانجام پنهانی توسط مسئولین به سالن گمرک منتقل شد و آنجا شب را به صبح رسانید. موضوعی که موجب شد حلقه‌های گل که از سوی هوادارانش تهیه شده بود تا بر گردن او بیاویزند در دستان‌شان بماند اما با این وجود، دوتن از مریدان تختی با هر ترفندی خود را به سالن گمرک رسانیده و هنگامی که با وی روبه‌رو شدند در حالی که اشک شادی بر چشمان خویش داشتند تقاضای بوسیدن دست و روی او را داشتند که تختی از شدت عشق و علاقه آنها تحت تأثیر قرار گرفت.»

غیر از کشتی و وزنه‌برداری که مهم‌ترین افتخار آفرینی‌های بین‌المللی نسل اول را به گردن داشتند نخستین شادی عمومی در حوزه فوتبال ایران زمانی رخ داد که تیم ملی به رهبری آقا فکری به المپیک توکیو صعود کرد. این مدل شادی خیابانی شورانگیز حتی هنگام راهپای ایران به نخستین جام جهانی (۱۹۷۸) دیده نشد. انگار برای مردم ایران عادی بود که تیم حشمت یک سر و گردن از قاره آسیا بالاتر است و اصلاً وظیفه‌اش است که به جام ۷۸ صعود کند اما تهران به عمرش چیزی مثل شادی عمومی در زمان راهپای ایران به نخستین المپیکش را به چشم ندیده بود. این در حالی است که چنین غلغله و جشن‌های همگانی ۴ سال بعد از المپیک توکیو نیز هنگام کسب جام ملت‌های آسیا در تهران تکرار شد. تنها فرقی این بود که دیگر این بار مردم به مهرآباد نمی‌رفتند و از امجدیه تا مخبرالدوله و ویلا و فردوسی را به کارناوال شادی همگانی تبدیل می‌کردند.

خبر راهپایی نخستین تیم فوتبال ایران به المپیک وقتی به تهران رسید اولین روزهای تابستان ۱۳۴۳ را داغتر از همیشه کرد. روزنامه‌فروش‌های دوره‌گرد تهران روزنامه‌های «فوق‌العاده اطلاعات» را به مردم نشان می‌دادند و فریاد می‌زدند «تیم ملی فوتبال به المپیک راه یافت.» تهران از شادی در پوست خود نمی‌گنجید. بعد از آنکه روزنامه اطلاعات در گزارشی از آخرین بازی، پیروزی ۳-۱ تیم ملی فوتبال ایران بر هندوستان در کلکته را با ذوقی کودکانه روی جلد برد و هزاران نسخه ویژه‌نامه چاپ کرد تهرانی‌ها برای استقبال از قهرمانان خود طاق نصرت بستند و نقل و شیرینی پخش کردند. دوشنبه اول تیرماه ۱۳۴۳ بود که روزنامه‌فروشان دوره‌گرد تهرانی وسط خیابان‌ها فریاد می‌زدند گل‌های بهزادی و برمکی هندی‌ها را بیچاره کرد. خبرنگار روزنامه اطلاعات در تهران در بازتاب این بازی نوشت «پس از انتشار خبر موفقیت تیم ملی در هندوستان و توزیع فوق‌العاده‌های اطلاعات، مردم با شادی زاید‌الوصفی در خیابان‌ها به همدیگر تبریک می‌گفتند و به محض مطلع شدن از این پیروزی، دست به گردن یکدیگر می‌انداختند



به گردن کلیه آنها حلقه‌های گل آویزان خواهد شد. بعد از مراسم استقبال از قهرمانان که در جلوی هوایما به عمل خواهد آمد قهرمانان سوار اتومبیل‌های مخصوص شده و از فرودگاه مهرآباد به طرف تهران حرکت می‌کنند. هنگام عبور قهرمانان از خیابان‌های تهران بلندگوهای سیار به کار خواهند افتاد. پلیس با همکاری یکدیگر انتظامات مسیر را به عهده خواهد داشت. از طرف مؤسسات و دستگاه‌های مختلف دسته‌گل‌های بسیاری تهیه شده است که در مسیر راه، نثار قدوم قهرمانان خواهد شد.»

گل سرسبد ورزش ایران در آن سال‌ها آفاتختی بود که جایگاه غریبی در دل مردمش داشت و چه در بدرقه‌ها و استقبال‌ها و چه زمانی که او شکست خورده یا پیروز به وطن بازمی‌گشت برای بوسیدن او در مهرآباد هیچ کم نمی‌گذاشتند. این رپرتاژ کیهان ورزشی هنگام اعزام کاروان ورزشی ایران به المپیک ۱۹۶۴ توکیو است و نشان می‌دهد که مردم برای دیدن آفاتختی چه اشتیاقی داشتند: «در مهرآباد، بی‌تابی جمعیت مشابعت‌کننده برای رؤیت قهرمان محبوب کشتی آزاد غلامرضا تختی بسیار بیش از سایرین بود اما او در بخش نخست ورزشکاران اعزامی قرار نداشت و علاقه‌مندانش به ناچار چند ساعت بیشتر به انتظار دیدار او ماندند و پیای از سایرین به ویژه کشتی‌گیران سرافراز را می‌گرفتند. با این همه سالن انتظار فرودگاه اما چهره

و ۱۵ برنز و کسب رده پنجم پنجمین دوره بازی‌های آسیایی در بانکوک به تهران برمی‌گشت، در حالی که اگر فوتبال نیز فینال را مقابل میانمار از دست نمی‌داد و قهرمان می‌شد جایگاهش تا رده چهارم بالا می‌آمد. سازمان تربیت‌بدنی و تفریحات سالم ایران در روز سی‌آذر اطلاعاتی با مضمون ارزشگذاری به زحمات قهرمانان صادر کرد و از مردم خواست به استقبال آنان بیایند: «بدینوسیله به اطلاع عموم و مردم ورزش دوست پایتخت می‌رساند کاروان ورزشکاران ایران که جهت شرکت در پنجمین دوره بازی‌های آسیایی به بانکوک عزیمت کرده بود پس از کسب موفقیت‌های درخشان، در ساعت ۵:۳۰ صبح فردا پنجشنبه اول دی ماه به وسیله هوایما بی‌ملی ایران وارد فرودگاه مهرآباد می‌شوند. سازمان تربیت‌بدنی ایران از قهرمانان عزیز استقبال رسمی به عمل می‌آورد و انتظار دارد اهالی تهران برای تشویق دختران و پسران ورزشکاری که برای میهن خود کسب افتخاراتی نموده‌اند در مراسم استقبال از فرزندان برومند شرکت نمایند. مسیر حرکت ورزشکاران و قهرمانان از جاده فرودگاه-خیابان آیین‌هاور (آزادی امروز)- میدان فردوسی- میدان سپه (میدان امام امروز) و کاخ ورزش خواهد بود.» آقای رجبی کفیل سازمان تربیت‌بدنی اظهار داشت قبل از ورود قهرمانان، ۶۰ دستگاه اتومبیل جیب روباز و اتوبوس‌های تربیت‌بدنی به جلوی باند فرودگاه خواهند آمد تا بعد از استقبال، قهرمانان را به شهر بیاورند. هنگام ورود قهرمانان،

